



A Comparative Study of the Rate of Deeds in the Resurrection based on the Views of Seyed Hashem Bahrani and Fakhr Razi

Zahra Mohagheghian Gortani *
Mohammad Reza Aram **
Amir Tohidi ***

Received: 09/05/2023

Accepted: 18/09/2023

Abstract

Weighing deeds in the Hereafter according to the verses of the Qur'an and the narrations of the Imams is a definite thing that is done to account for deeds. The measure is set on the Day of Resurrection to determine the amount and value of good deeds and sins, and it is used to weigh the good and the bad. There are two views on the extent. Bahrany, the author of the effective commentary "Al-Burhan Fi Tafsir Al-Quran" has used the measure in the virtual sense. On the other hand, Fakhr-e-Razi, the owner of "Tafsir Kabir", believes in the tangible extent to which the deeds of the servants will be measured on the Day of Resurrection. There are many differences in both views on the quality of measuring deeds and truth, so it is necessary to try to reach a more stable understanding in this area. This article tries to explain the views of Seyyed Hashem Bahrany and Fakhr-e-razi about the truth and what is the amount, lightness, and weight of deeds in the Resurrection based on verses and hadiths with a descriptive-analytical method.

Keywords: *Rate, measurement of deeds, resurrection, audit, Seyed Hashem Bahrani, Fakhr Razi.*

* PhD student, Department of Quran and Hadith Sciences, Central Tehran Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran. z_mohagheghian@yahoo.com

** Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Responsible Author)

aram.mohammadreza@yahoo.com

*** Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Central Tehran Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran. amir_tohidi_110@yahoo.com



مطالعه تطبیقی میزان اعمال در قیامت با تکیه بر نظرات سید هاشم بحرانی و فخر رازی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۹
مقاله برای اصلاح به مدت ۱۳ روز نزد نویسندگان بوده است.

زهرا محققیان گورتانی*
محمد رضا آرام**
امیر توحیدی***

چکیده

توزین اعمال در جهان آخرت بر اساس آیات قرآن و روایات ائمه معصومین (ع) امری حتمی است که جهت حسابرسی اعمال انجام می‌شود. میزان در قیامت برای تعیین مقدار و ارزش کارهای نیک و گناهان نصب شده است و با آن حسنات و سیئات سنجیده می‌شود. در رابطه با میزان دو دیدگاه وجود دارد. بحرانی صاحب تفسیر مآثور «البرهان فی تفسیر القرآن» میزان را در معنای مجازی به کار برده است. در مقابل فخر رازی صاحب «تفسیر کبیر» معتقد به میزان محسوس است که اعمال بندگان در قیامت با آن سنجیده می‌شود. در هر دو دیدگاه نسبت به کیفیت سنجش اعمال و حقیقت میزان اختلاف نظرهای فراوانی وجود دارد، از این رو تلاش برای رسیدن به برداشتی استوارتر در این زمینه ضروری است. این نوشتار درصدد است با روش توصیفی تحلیلی به تبیین نظرات سید هاشم بحرانی و فخر رازی درباره حقیقت و چیستی میزان، سبکی و سنگینی اعمال در قیامت و معانی مجازی مطرح شده برای میزان بر اساس آیات و روایات بپردازد.

واژگان کلیدی

میزان، سنجش اعمال، قیامت، حسابرسی، سید هاشم بحرانی، فخر رازی.

* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

z_mohagheghian@yahoo.com

** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

aram.mohammadreza@yahoo.com

*** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

amir_tohidi_110@yahoo.com

مقاله مستخرج از رساله دکتری است.

طرح مسئله

میزان یکی از مباحث مهم مربوط به معاد است. بین مسلمانان در اعتقاد به میزان اختلافی وجود ندارد، بلکه اختلاف در چگونگی کیفیت سنجش اعمال و حقیقت بر پایی میزان در قیامت است. این موضوع در اقوال متفکران کلامی و غیر کلامی وجود دارد. میزان در قیامت برای تعیین مقدار و ارزش کارهای نیک و گناهان نصب شده است، و با آن حسنات و سیئات سنجیده می‌شود. توزین اعمال بخشی از حسابرسی در قیامت است. ولی سؤالی در اینجا مطرح می‌شود که منظور از میزان چیست؟ آیا میزان و ترازوی روز قیامت مشابه همین ترازوهای است که در دنیا مشاهده کرده‌ایم؟ مراد از سنجش اعمال بندگان در روز قیامت به وسیله آن چیست؟

برخی از اهل تشیع، میزان را در معنای مجازی مطرح می‌کنند، بحرانی از جمله معتقدان به این نظر می‌باشد. این در حالی است که، اکثر اهل سنت از جمله فخر رازی به نظریه میزان محسوس معتقدند اما در بین اهل سنت، معتزله میزان محسوس را رد نموده و می‌گویند: اعمال عرضی‌اند، وزن ندارند و قابل بازگشت نیستند. (جرجانی، ۱۳۲۵، ج ۸، ص ۳۲۱) در بین امامیه هم برخی معتقد به میزان محسوس هستند. (حلی، ۱۳۸۲، ص ۵۷۴) طرفداران میزان محسوس آن را مطابقت با ظاهر قرآن می‌دانند.

بحث میزان در سنجش اعمال در آیات و روایات آمده و آثاری در این زمینه نوشته شده است. اما نوشتاری در ارتباط با موضوع بررسی تطبیقی میزان اعمال بر اساس نظرات سید هاشم بحرانی و فخر رازی وجود ندارد. این پژوهش سعی در تبیین نظریات هر دو مفسر در رابطه با میزان اعمال، کیفیت، حقیقت و ویژگی‌های آن را دارد. روش گردآوری داده‌ها: کتابخانه‌ای و در استناد به داده‌ها اسنادی، در تجزیه و تحلیل محتوای کیفی از نوع توصیفی تحلیلی است.

پیشینه تحقیق

در مطالعاتی که پیرامون این تحقیق انجام شده است، مفسران قرآن ضمن تفسیر آیات در رابطه با میزان به این موضوع پرداخته‌اند و مقالاتی از اندیشمندان و صاحب نظران قرآنی وجود دارد که در ادامه به برخی از آنها اشاره شده و در نهایت وجه تمایز و تفاوت پژوهش حاضر با آنها بیان خواهد شد.

علیرضا غلام‌پور و عبدالرحیم خلف‌مراد مقاله «کیفیت توزین اعمال در قیامت در منابع تفسیری فریقین بر اساس آیه ۴۷ سوره انبیاء» به‌نگارش در آورده‌اند که در مجله مطالعات تفسیری در زمستان ۱۳۹۳ چاپ شده است. در این مقاله سعی شده دیدگاه‌های مفسران فریقین درباره

وسیله توزین اعمال، انسان‌هایی که اعمالشان مورد محاسبه و توزین قرار می‌گیرد و علت توزین اعمال از سوی خداوند مورد بررسی قرار گیرد. در این نوشتار هیچ اشاره‌ای به رابطه ولایت در توزین اعمال نشده و از فخر رازی و بحرانی مطلبی نیامده است.

محسن فتاحی مقاله «حقیقت میزان» را در سایت پژوهی مربوط به پژوهشکده باقرالعلوم (ع) در سال ۱۳۹۳ به چاپ رسانده است. نویسنده آیاتی از قرآن را که در مورد میزان آمده به دو قسمت تقسیم نموده است؛ آیاتی که متذکر اصل وجود داشتن میزان است و آیاتی که ناظر به نتیجه و ثمره این میزان است، اما به نقش ولایت در محاسبه اعمال و نظرات مفسران فریقین هیچ اشاره‌ای نشده است.

مقاله «مسئله میزان/اعمال در قیامت» توسط علیرضا اسعدی نوشته شده که در مجله خردنامه صدرا در شماره ۹۸ به چاپ رسیده است. در این مقاله نویسنده به روش توصیفی-تحلیلی ضمن تبیین دیدگاه ملاصدرا درباره حقیقت و چیستی میزان اعمال و نیز سبکی و سنگینی اعمال، به سنجش و ارزیابی آن بر اساس آیات و روایات پرداخته است و درصد بررسی میزان سازگاری آن با آیات و روایات هست. وی بر اساس نظریه ملاصدرا معتقد است: میزان در یک تقسیم به جسمانی و روحانی تقسیم می‌شود و میزان در آخرت میزان روحانی است. همچنین تعدد موازین را پذیرفته است و به تفکیک به بررسی میزان علوم و میزان اعمال می‌پردازد. وی بیان می‌دارد که ملاصدرا بر اساس مبانی فلسفی خویش و به‌ویژه تفاوت نشئه آخرت با نشئه دنیا و اقتضائات ویژه هر یک، نمی‌تواند میزان را در معنای ظاهری خود بداند و در نتیجه، میزان اخروی را از نوع میزان‌های دنیا نمی‌داند. او همچنین اختلاف روایات درباره تطبیق میزان بر نفوس پیامبران و اوصیای الهی را به‌خوبی توجیه کرده است.

آثار فوق‌الذکر هر کدام میزان را از زاویه‌ای مورد بررسی قرار داده است؛ اما هیچ کدام از این آثار به بررسی میزان از جهت مجازی و محسوس بودن، همچنین بررسی میزان بین مفسران فریقین از جمله بحرانی و فخر رازی نپرداخته‌اند. بنابر این وجه تمایز و نوآوری مقاله حاضر از دیگر پژوهشهای معاصر در این مطلب است.

۱. چیستی و ماهیت میزان اعمال

کلمه «میزان» از ریشه «وزن» است، راغب این کلمه را به معنای معرفت و شناخت اندازه یک شیء می‌داند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ذیل ماده وزن) ابن فارس به معنی تعدیل و استقامت (ابن

فارس، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۱۰۷) و ابن منظور به معنای وسیله‌ای دانسته که با آن چیزی اندازه‌گیری می‌شود و جمع آن «موازین» است. (ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۱۳، ص ۴۴۶)

میزان و مشتقات آن در قرآن ۲۳ مرتبه، در ۲۱ آیه و ۱۴ سوره آمده است، «وَزْنًا» یک مرتبه، «مُوزُونٍ» یک مرتبه، «مَوَازِينُهُ» شش مرتبه، «الْوَزْنُ» دو مرتبه، «المیزان» نه مرتبه، «المَوَازِينُ» یک مرتبه، «زُنًا» دو مرتبه و «وَزْنُوهُمْ» یک مرتبه.

میزان یکی از مواقف قیامت است که در آن به سنجش مجموع اعمال و اعتقادات انسان پرداخته می‌شود و درجات بهشتیان یا دوزخیان متناسب با آن خواهد بود. خداوند به‌طور صریح از «میزان» در قیامت سخن می‌گوید که میزان قسط و عدل جهت سنجش اعمال نصب شده است: «وَالْقَوْلُ بِالْمِيزَانِ مَشْهُورٌ فِي الْحَدِيثِ وَظَاهِرُ الْقُرْآنِ يَنْطِقُ بِهِ» (ابن جوزی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۱۱۵) قول میزان در حدیث مشهور است و ظاهر قرآن به آن اطلاق دارد. در تبیین میزان در قیامت دو نظر می‌توان برشمرد:

الف) میزان، مجموعه‌ی عقاید، احکام، قوانین شریعت و دین می‌باشد که صراط مستقیم و نیل به عالی‌ترین مراتب انسانیت است. از اینرو در قیامت عمل هر انسانی را به مقدار تطابق با متن شریعت می‌سنجند و پاداش می‌دهند. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: عدل در زمین میزان خداوند است، هر کس به آن عمل کند بهشت پاداش اوست و هر کس ترک کند جایگاه او جهنم است. (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۱، ص ۳۸۸)

ب) میزان، نفوس پیامبران و اوصیا است، آنها نه تنها هدایت‌گر مردم هستند بلکه به مجموعه احکام و شریعت عمل می‌کنند. بر همین اساس می‌توان عقاید، گفتار و کردار پیروانشان را با آن سنجید. (بحرانی، ۱۳۸۹، ج ۸، ص ۷۷۳؛ کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۴۲۰) در واقع تمام دین حساب است، اگر در دین حساب نبود خداوند برای مردم محاسبه را قرار نمی‌داد.

آیات در قرآن مورد حقیقت میزان به دو صورت آمده است:

۱. آیاتی که وجود داشتن میزان را بیان می‌کند. مانند: «أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَ لِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزْنًا» (الکهف: ۱۰۵) آن‌ها کسانی هستند که به آیات پروردگارشان و لقای او کافر شدند؛ به همین جهت، اعمالشان حبط و نابود شد؛ از این‌رو قیامت، میزانی برای (سنجش اعمال) آن‌ها برپا نخواهیم کرد. «و نَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَ كَفَىٰ بِنَا حَاسِبِينَ» (الانبیاء: ۴۷)



ما ترازوهای عدل را در روز قیامت برپا می‌کنیم، پس به هیچ‌کس کم‌ترین ستمی نمی‌شود و اگر به مقدار سنگینی دانه‌ی خردلی (کار نیک و بدی) باشد، ما آن را حاضر می‌کنیم و کافیست که ما حساب‌کننده باشیم.

۲. آیاتی که ناظر به نتیجه و ثمره میزان است: «فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ وَ مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ» (المومنون: ۱۰۲ و ۱۰۳) کسانی که ترازوهای (عمل) آن‌ها سنگین است، همان رستگارانند. آنان که ترازوهای (عمل) آن‌ها سبک باشد، کسانی هستند که سرمایه‌ی وجود خود را از دست داده، در جهنم جاودانه خواهند ماند. «وَ الْوِزْنُ يُوَمِّدُ الْحَقَّ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ وَ مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَظْلِمُونَ» (الاعراف: ۸ و ۹) وزن کردن (اعمال و سنجش ارزش آن‌ها) در آن روز، حق است. کسانی که ترازوهای (عمل) آن‌ها سنگین است، تنها آنان رستگارانند. کسانی که ترازوهای (عمل) آن‌ها سبک است، افرادی هستند که سرمایه‌ی وجود خود را، به سبب ظلم و ستمی که نسبت به آیات ما روا می‌داشتند، از دست داده‌اند.

با بررسی آیات، مصادیق میزان در قرآن شامل موارد ذیل می‌باشد:

الف) وسیله سنجش کالا (هود: ۸۵)

ب) هماهنگی و نظم در آفرینش (الرحمن: ۷)

ج) تشریح قوانین الهی (الحديد: ۲۵) در این آیه میزان در مورد قوانین عادلانه الهی بکار رفته است قوانینی که مایه قسط و عدل در جامعه بشری می‌شود. (سبحانی، ۱۳۸۳، ج ۵، ص ۴۶۴)

د) اعمال بندگان در آخرت: جزاء اعمال هر صاحب عملی در آن روز اعمال اوست، و جزایی عادلانه‌تر از اینکه عین عمل کسی را پاداش عملش قرار دهند نیست.

از آنجا که توزین اعمال در قرآن به صراحت بیان شده در آن اختلافی نیست ولی آنچه منشا اختلاف است کیفیت سنجش اعمال و حقیقت برپایی میزان می‌باشد، در روایات ذیل به این موضوع اشاره شده است.

۱. شخصی از امام صادق(ع) سوال می‌کند آیا در قیامت عمل بندگان توزین نمی‌شود؟ امام فرمود: نه عمل جسم نیست، آنچه مورد سنجش قرار می‌گیرد صفت عمل‌هاست، کسی نیاز به توزین اعمال دارد که از سنگینی و سبکی اعمال بی‌اطلاع باشد. در حالی که خداوند بر همه امور آگاه است. همان شخص پرسید، پس معنای میزان چیست؟ فرمود: یعنی در محاسبه و پاداش عمل عدالت رعایت می‌شود. عرض کرد: پس معنای این آیه «فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ» چیست؟ فرمود:

معنایش رجحان عمل است. (بحرانی، ۱۳۸۹، ج ۶، ص ۳۳۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷، ص ۲۴۸) یعنی اگر نامه عملی که انسان خود ایجاد نموده است به سوی حق سنگینی کرد نجات می‌یابد. این روایت تشابه میزان دنیوی و اخروی را نفی می‌کند و اینکه میزان نمی‌تواند در معنای ظاهری باشد.

۲. امام صادق (ع) در تفسیر «و نَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ» فرمود: ایشان انبیاء و اوصیاء هستند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷، ص ۲۵۶؛ بحرانی، ۱۳۸۹، ج ۶، ص ۳۸۸) از این روایت استفاده می‌شود که اعمال هر امتی بر انبیاء و اوصیاء خودشان عرضه می‌شود، و بر اثر مطابقت و یا عدم مطابقت اعماد آحاد امت با اعمال انبیاء و اوصیاء سعادت یا شقاوت آنها رقم می‌خورد.

۳. در زیارت امیرالمومنین آمده «السَّلَامُ عَلَيَّ يَعْشُوبُ الْإِيمَانَ وَ مِيزَانَ الْأَعْمَالِ» (قمی، ۱۳۹۷، ص ۶۰۰) حضرت علی (ع) حق مجسم است هر کسی در اعمال و رفتار با او مشابهت داشته باشد «فهو من ثقلت موازينه» کسی است که ترازوهای اعمالش سنگین است. کسی که با او مشابهت نداشته باشد «فهو من خفت موازينه» اعمالش سبک است. (سبحانی، ۱۴۲۱، ص ۲۵۰)

مفسران نیز در تفسیر آیات به بحث میزان پرداخته‌اند. گنابادی معتقد است که میزان صحت و سقم اعمال، عقل است به خصوص عقل کامل، یعنی پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع). میزان اعمال در معاد اتصال به پیامبر (ص) است با کیفیت مخصوصی که نزد آنهاست. سنگینی میزان این است که اعمال به پیامبر (ص) و جانشینانش متصل باشد و بتواند پیامبر (ص) را به طرف عمل کننده جلب نماید وی معتقد است که بعید نیست در آخرت ترازویی باشد تا اعمال را وزن کند. اتصال به امام معصوم (ع) اساس ثقیل بودن اعمال است. (گنابادی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۲۳۹)

طبری در ذیل آیه ۴۷ سوره انبیاء می‌گوید: موازین همان عدل و قسط می‌باشد اهل تاویل معتقدند قسط معیار داوری حسنات و سیئات است، وی از این زید نقل می‌کند «اتینا بها» یعنی «کتبنا و احصینا له و علیه» یعنی اعمال او را نوشتیم و نیک و بدش را حاضر کردیم، وزن همان حق است و تمامی اعمال اگر به اندازه خردل باشد حساب می‌شود. (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۷، ص ۲۵)

ترازو خود قسط و عدل است و در رابطه با در میان نهادن ترازو دو نظر بیان می‌شود:

۱- انجام حسابرسی برابر و کامل اعمال.

۲- ترازوی حقیقی در میان نهند و اعمال بندگان را با آن وزن کنند.

۲. تعدد میزان

در رابطه با میزان واحد یا تعدد میزان در قیامت، برخی معتقد به میزان واحد، و گروهی تعدد میزان را بیان می‌کنند و معتقدند به تعداد افراد و براساس اعمال آن‌ها میزان‌هایی وجود دارد، و دلایلی را بیان می‌کنند. فخر رازی نظر زجاج را در رابطه با جمع بسته شدن موازین آورده و سپس آن را رد می‌کند؛ اولاً عرب‌ها برای مفرد هم لفظ جمع استفاده می‌کنند. ثانیاً موازین جمع موزون است نه میزان، و مراد از آن اعمال وزن شده است.

در پاسخ به زجاج می‌گوید این دو دلیل باعث می‌شود که از ظاهر آیات عدول کنیم، در صورتی که اگر عذری باشد، از ظاهر آیه عدول می‌کنیم، و چون در این جا هیچ مانعی نمی‌باشد، بنابراین باید معنای حقیقی به کار برده شود. (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۴، ص ۲۰۲) وی معتقد است که در قیامت یک ترازو وجود ندارد، بلکه ترازوهای بیشتری هست: «و نَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ» (الانبیاء: ۴۷)، موازین در آیه بصورت جمع آمده است. جمع بودن موازین به علت تعدد اعمال است یا این که برای هر شخصی ترازویی است. موازین در قرآن در برخی جاها مفرد و به معنی وزن کردن آمده است و در برخی جاها با توجه به حساب کردن، جمع آورده شده است. (حقی برسوی، ۱۴۲۱، ج ۵، ص ۴۸۶) نظر دیگر، موازین دلالت دارد که ترازوهایی وجود دارد؛ ممکن است یک ترازو برای تعظیم، یا با توجه به اجزای آن جمع بسته شده باشد و صحیح است که برای امت‌ها و برای همه اعمال یک ترازو باشد. (فتوحی، ۱۴۲۰، ص ۴۰۹)

۳. حقیقت و کیفیت میزان

از جمله مسائل اساسی در بحث میزان اعمال در قیامت ترازوی دوستی‌ها و دشمنی‌ها است. محبت و معرفت نسبت به انبیاء و اوصیاء میزان، قبولی اعمال است. بحرانی روایاتی را به نقل از کلینی، شیخ صدوق، ابن شهر آشوب، بررسی در ذیل آیه ۴۷ سوره انبیاء آورده و معتقد است که منظور از میزان انبیاء و اوصیاء هستند. (بحرانی، ۱۳۸۹، ج ۶، ص ۳۳۵) در این آیه موازین بصورت جمع آورده شده است. هر عملی با میزان کامل آن، که انبیاء و اوصیاء هستند سنجیده می‌شود، ذوات مقدسه معصومین (ع) نمونه میزان کامل می‌باشند. محبت و معرفت نسبت به اهل بیت (ع) نقش بسیار مهمی در تقویت باورهای دینی دارد. بر همین اساس امام صادق (ع) می‌فرماید: «هل الدین الا الحب» آیا دین غیر از محبت است (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۲، ص ۱۲۵)؛ هیچ عبادتی جز از طریق معرفت نسبت به اهل بیت (ع) پذیرفته نیست.

در زیارت جامعه کبیره آمده: «بُؤَالَاتِكُمْ تُقْبَلُ الطَّاعَةُ الْمُفْتَرَضَةُ» با ولایت شما است که خداوند عبادات واجب را می پذیرد (قمی، ۱۳۹۷، ص ۸۹۷)؛ یعنی هر عبادتی اگر پیروی و معرفت نسبت به ائمه (ع) در آن نباشد وزنی برای آن وجود ندارد. بنابراین میزان هر عملی همان مقدار حق و معرفتی است که عمل مشتمل بر آن است.

فخر رازی می گوید: در قیامت ترازوهایی وجود دارد برای اعمال قلبی میزانی، و برای اعمال جوارحی میزانی دیگر است. (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۴، ص ۲۰۳) وی معتقد است: در تفسیر وزن اعمال دو قول وجود دارد: ۱- میزان ترازویی است که دارای دو کفه و یک زبانه است که با آن اعمال خیر و شر بندگان سنجیده می شود. ۲- مراد از میزان عدالت و قضاوت است، بسیاری از متاخرین این نظر را قبول دارند. در رابطه با آیه: «فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزْنًا» (الکهف: ۱۰۵) می گوید: منظور از این آیه همین معنای دوم مراد است و دلیل آن این است که با ترازو وزن چیزها معلوم می شود و ممکن نیست مقدار ثواب و عقاب توسط آن شناخته شود چون اعمال بندگان اعراض است که فانی و معدوم شده است، و وزن کردن شیء معدوم محال است و بالفرض موجود باشد باز هم وزن کردنش محال است.

اما آنچه وزن می شود نامه عمل یا صور اعمال بر اساس اندازه اعمال آنها است. مکلف در روز قیامت یا اقرار دارد که خداوند عادل و حکیم است و یا قبول ندارد. در صورت قبول داشتن عدالت و درستی، قضاوت خدا درباره مقدار ثواب و عقاب برایش کافی است (بدون نیاز به ترازو) و اگر قبول نداشته باشد و کفه ثوابش بیشتر باشد و یا بر عکس، برایش ثابت نمی شود که واقعا چنین است، زیرا امکان دارد خداوند بر خلاف عدل و انصاف آن را زیاد کرده باشد، بنابر این وزن کردن فایده ای ندارد.

وی در ذیل تفسیر آیه (الانبیاء: ۴۷) نظرش تغییر نموده و وجود ترازوها را قبول کرده است، می نویسد: وقتی این ثابت شد می گوئیم دلیل بر وجود میزان های حقیقی این است که حمل این لفظ بر عدل مجاز می باشد و صرف نمودن لفظی از معنای حقیقی به مجازی بدون ضرورت جایز نیست مخصوصا در این مورد احادیث صحیح سند بسیاری وجود دارد. (همان، ج ۱۴، ص ۲۰۴) در این آیه میزان همراه با صفت قسط آمده است. منظور از میزان ترازوی سنجش اعمال انسانی است، و ظلم نشدن به بنده ای حتی به اندازه خردلی، اشاره محکم به عدل در میزان دارد. (همان، ج ۲۲، ص ۱۷۶)



قسط و عدل از ملزومات سنجش اعمال است، در قیامت بندگان جزای اعمال خود را همراه با قسط و عدل می‌بینند. امام صادق (ع) میزان را در معنای عدل بیان می‌کند و منظور از سنگینی میزان را رجحان عمل می‌داند. (بحرانی، ۱۳۸۹، ج ۸، ص ۶۳۳؛ لاهیجی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۵) برخی از انسان‌ها حساب آسانی دارند، برخی بدون حساب به بهشت وارد می‌شوند زیرا آنان در دنیا محاسبه اعمال داشته‌اند. حساب در قیامت برای کسانی است که میزان اعمال آنان سبک و در دنیا خود را به امور دنیایی مشغول نموده‌اند.

۴. سبکی و سنگینی اعمال

رستگاری در قرآن برای میزان همراه با واژه‌های ثقل و خفت سنگینی و سبکی آمده است. ثقل موازین، سنگین بودن عمل، مطابق واقع بودن آن می‌باشد. در قیامت ترازوهای عدالت خواهد بود و زمانی که سنگینی اعمال مشخص شود اندازه آن با ترازو معلوم می‌شود و اعمال خوب و بد دارای وزن واقعی هستند. اما اعمال جوهرند و عرض نیستند مثلاً گناهان کفار و مسلمانان از جهت اینکه جوهر هستند وزن دارند، اما از جهت اینکه حق نیستند باطل و وزنی ندارند. بنابراین وزن یعنی حق بودن، اما توزین یعنی مقایسه نمودن با انبیاء و اوصیا. (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۳۷۰)

بحرانی در رابطه با ثقل اعمال می‌گوید: هر چه اعمال مشتمل بر حسنات بیشتر باشد، انسان رستگارتر است و کسی که میزانش سبک باشد، یعنی سیئات بر حسنات فزونی یابد، از زیانکاران می‌باشد. مطابقت اعمال انسان‌ها با انبیاء و ائمه (ع) و در مسیر آنان قرار گرفتن باعث ثقل عمل می‌شود. (بحرانی، ۱۳۸۹، ج ۶، ص ۳۳۸) آیه: «فَلَا تُقِيمُ هُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا» (الکهف: ۱۰۵) می‌گوید مقصود از وزن در اینجا کار نیک است «ذَلِكَ جَزَاءُ هُمْ جَهَنَّمَ بِمَا كَفَرُوا وَ اتَّخَذُوا آيَاتِي وَ رُسُلِي هُزُؤًا» (الکهف: ۱۰۶) یعنی به نشانه‌ها و معجزات اوصیای من کفر ورزیده و آنها را به مسخره گرفتند. سپس خداوند این آیه را برای مومنان یادآور می‌شود. «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا» (الکهف: ۱۰۷) (بحرانی، ۱۳۸۹، ج ۶، ص ۱۴۰). آیه ۱۰۵ سوره کهف این ادعا را تایید می‌کند که مقصود از سنگینی در آیه ۷ زلزله سنگینی نسبی است و گناهان از سنگینی حقیقی بی‌بهره‌اند. زیرا آیه دلالت دارد توزین عمل برای کسانی که حسنات آنان حبط شود انجام نمی‌شود، در حالی که اگر سیئات از سنگینی برخوردار باشند، توزین عمل برای آنان انجام می‌شود.

فخر رازی در تفسیر آیه «فَمَنْ تَقَلَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (المومنون: ۱۰۲) می نویسد در موازین نظراتی بیان شده است که عبارت است از:

الف) میزان استعاره از عدالت خداوند است و قسط و عدل از ملزومات سنجش اعمال در قیامت می باشد.

ب) موازین همان اعمال حسنه است. پس هر کسی اعمال صالح انجام دهد رستگار، و هر کسی عمل بدون وزن انجام دهد سرانجام او جهنم است. (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۳، ص ۲۹۵)

ثقل میزان، بنا بر هر عقیده‌ای که در مورد میزان اتخاذ شده باشد، قابل تعمیم است. اگر به معنای ظاهری گرفته شود براساس حقیقت و اگر میزان را ظاهری ندانیم، به معنای ثواب زیاد است. (مبارکفوری، ۱۴۱۰، ج ۹، ص ۳۰۵) زیرا عمل صالح دلیل و راهنمای اعتقاد صحیح می باشد. فخر رازی ثقل موازین را به رجحان اعمال تفسیر نموده و می گوید: کثرت افعال و تکرار آنها موجب بوجود آمدن صفات و ملکات قوی و ثابتی در انسان می شود و کسی که بیشترین مواظبت را نسبت به عملی بکند همان عمل، بیشترین رسوخ را در نفس او دارد و باعث ایحاد ملکه قوی در نفس او می شود. از طرف دیگر وقتی تکرار عمل موجب ملکه راسخه در نفس انسان می گردد پس باید هر عملی به تنهایی در ایجاد چنین ملکه‌ای نقشی ایفا کند. (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۳، ص ۱۸)

در تقسیم میزان از دو جهت به تحلیل این موضوع پرداخته می شود؛ یکی از جهت معنای میزان محسوس و دیگر از جهت معنای میزان مجازی.

۵. میزان محسوس

در این معنا «میزان» به معنی حقیقی خود به کار رفته است و منظور از آن، ترازویی است که دو کفه و یک زبانه دارد که اعمال بندگان با آن سنجیده می شود. در این دیدگاه در مورد کیفیت سنجش اعمال اختلاف است. حسن بصری می گوید: این ترازو شامل دو کفه حسنات و سیئات است که به وسیله آن صحیفه‌های اعمال سنجیده می شود (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۸، ص ۱۳۲).

یکی از نظرات مهم در بین اهل سنت میزان محسوس یا میزان ظاهری می باشد، منظور از میزان محسوس در قیامت ترازویی حسی است که به وسیله آن صحیفه‌های اعمال سنجیده می شود، طرفداران این نظر معتقدند: عدول از این نظر عدول از ظاهر آیه به حساب می آید. ابن عطیه نظریه میزان محسوس را نسبت به نظریه عدل صحیح دانسته که به شرح ذیل می باشد:



الف) مطابقت با ظاهر قرآن و سنت است.

ب) تفسیر میزان به عدل مجاز است و گرفتن مجاز برای عدل دلیل می‌خواهد، درحالی‌که هیچ دلیل محکمی بر ضد میزان محسوس نیست.

ج) سخن از میزان، عقایدی است که جز با شنیدن به آن نرسیده‌ایم و اگر برای آن درب مجاز را بگشاییم، سخنان ملحدان ما را فرا می‌گیرد که میزان، صراط، بهشت، جهنم، قیامت و... الفاظی هستند که از آن‌ها چیزی غیر از اینها مراد شده است. (ابن عطیه اندلسی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۳۷۵)

فخر رازی معتقد است، میزان ترازویی است که دارای دو کفه است که در آن حسنات را به نیکوترین وجه و سیئات را به بدترین وجه وزن می‌کنند، در نتیجه انسانی که نیکی‌هایش بیشتر باشد به بهشت می‌رود و کسی که سیئاتش بیشتر باشد به جهنم می‌رود. (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۳، ص ۲۹۵). غزالی می‌گوید: «کِرَامًا كَاتِبِينَ»، اعمال را در صحیفه‌هایی که جسم هستند، مینویسد و زمانی که آن‌ها در میزان قرار داده می‌شوند، خداوند در کفه ترازو آنرا به اندازه رتبه‌ی طاعات شخص خلق می‌کند. (غزالی، ۱۴۰۹، ص ۱۳۷)

مهم‌ترین نقدی که بر میزان محسوس وارد شده است، عرضی بودن اعمال جهت وزن شدن است، این بدان معنا است که اعمال جرم و جسم ندارند که بتوان آن‌ها را وزن نمود. اهل سنت برای رد این اشکال، دو نظر مطرح می‌کنند: ۱- اعمال به قدرت خداوند می‌توانند به صورت جسم درآیند. ۲- صحیفه اعمال سنجیده می‌شود.

اگر سوال شود که چگونه اعمال در حالی که عرض هستند، سنجیده می‌شوند؟ پاسخ آن است که آنچه وزن می‌شود یا صحیفه است، یا جوهر. (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۵۷۴) آنها در جهت تایید نظریه میزان محسوس به آیات (الزلزال: ۸؛ آل عمران: ۳۰؛ الکهف: ۴۹) همچنین نظریه تجسم اعمال استناد می‌کنند.

درباره وزن اعمال در میزان محسوس هم نظرات مختلفی بیان شده است:

۱- پیروان نظریه میزان محسوس اشکال عرضی بودن عمل را رد می‌کنند. با استناد به سخن ابن عباس که خداوند اعمال را به اجسام تبدیل می‌کند و آنها را وزن می‌نماید. (ابن حجر، بی تا، ج ۱۳، ص ۴۵۰) در تایید این سخن می‌گویند: صحیح است که اعمال همان چیزهایی باشد که وزن می‌گردد. همچنین روایاتی را بیان می‌کنند که پیامبر(ص) فرمود: چیزی در قیامت بر میزان

سنگین تر از حسن خلق نیست. در این روایات سنگینی به حسن خلق نسبت داده شده است و این دلیلی بر میزان جسمانی است. (همان، ۴۵۰؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۴، ص ۲۴)

۲- نظریه صحیفه عمل، اعمال حسنه به صورت زیبایی و باعث سنگینی میزان شده و اعمال سیئه به صورت زشتی و باعث سبکی میزان می شود. ابن عباس می گوید: مومن با اعمالش در صورتی زیبا آورده می شود، و بر کفه میزان نهاده، آنگاه نیکی ها بر بدی ها سنگینی می کند. (همان، ج ۱۴، ص ۲۴)

اکثر اشاعره معتقدند که صحیفه های اعمال وزن می شوند، قاضی عبدالجبار می گوید: خداوند از میزان، معنی معقول و متعارف بین مردم را اراده کرده است نه معنای عدل را. میزان در معنای حقیقی است نه در معنای مجازی آن. اعمال بندگان اعراض اند وزن کردن آن ها محال است. وی دو وجه را در کیفیت سنجش بیان می کند. الف) ممتنع نیست که خدا نور را نشانه ای برای طاعت و ظلمت را نشانه ای برای معصیت قرار دهد، سپس نور را در یک کفه و ظلمت را در کفه دیگر ترازو قرار دهد. ب) همچنین ممتنع نیست، طاعات و گناهان را در صحیفه ای قرار دهد، و هر کدام را در کفه ترازو وزن کند. پس هر کدام بر دیگری ترجیح داشت، برای بنده به همان حکم می شود. (قاضی عبدالجبار، ۱۴۲۲، ص ۴۹۷) مخالفان نظریه میزان محسوس می گویند اعمال را نمی توان سنجید، آنچه مورد سنجش واقع می شود صفات و جوهر اعمال است.

۶. میزان در معنای مجازی

میزان در قیامت چیزی است که اعمال بندگان اعم از خیر و شر، افعال و نیات بوسیله آن محاسبه می شود که اختلاف بسیاری با ترازوهای دنیوی دارد. آنچه منشا اختلاف نظرهای فراوان شده، کیفیت اندازه گیری اعمال و حقیقت بر پایی میزان در قیامت است. در رابطه با توزین اعمال در معنای مجازی نظراتی مطرح شده که آنها را مورد بررسی قرار می دهیم.

۱-۶. توزین اعمال با حق

معنای وزن در قیامت را مطابقت اعمال با حق می دانند، به این معنا که هر شخصی پاداش نیک او به مقدار حقی است که عمل او مشتمل بر آن است، اگر هیچ مقدار از عملش برحق نشد او مستحق عذاب است و این همان توزین اعمال است. علامه طباطبایی می گوید: میزان اعمال ترازو نیست، تا فرض تساوی دو کفه ترازو را داشته باشد. از ظاهر آیات ۴۷ سوره الانبیاء و ۸ سوره



الزلزال استفاده می‌شود که، عمل نیک موجب ثقل میزان و اعمال بد موجب سبکی آن می‌گردد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۲۹۹) در قیامت هر عملی با مرتبه کامل همان عمل سنجیده می‌شود. «وَالْوِزْنُ يُوَمِّئِدُ الْحَقُّ» از توزین اعمال در قیامت خبر می‌دهد، متفرع شدن سنگینی و سبکی اعمال در این آیه بر وزن حق، بیانگر این است که منظور از وزن معنای مصدری توزین نیست، بلکه معیار و واحد سنجش است. (جوادی آملی، ۱۳۹۲، ج ۲۸، ص ۱۲۶)

واحد مقیاس عقاید و اعمال، چیزی است که با آنها سنخیت دارد، بنابر آیه ۸ سوره اعراف، واحد مقیاس عقاید و اعمال، در قیامت حق است. اما حق مصادیق متعددی دارد و نسبت به هر عملی متفاوت است، به این معنا که هر عمل حقی دارد. مثلاً نماز و روزه حقی دارند.

توزین اعمال بر اساس حق یعنی، توزین با ترازویی متناسب با ماهیت قیامت و ماهیت اعمال افراد است. روایاتی که میزان اعمال در قیامت را پیامبر (ص) و ائمه (ع) می‌دانند با این نظر سازگار هستند، بدلیل اینکه معیار و مقیاس در آخرت، حق اعتقاد و حق عمل است و روشن است که تنها پیامبر (ص) و ائمه (ع) به حق اعتقاد و حق عمل متلبس‌اند. بنابراین در قیامت عقاید و اعمال هر امتی با عقاید و اعمال پیامبر و امام آن امت سنجیده می‌شود. (تاج آبادی، ۱۳۹۶، ص ۳۱۵) از این رو گفته شده که روز قیامت، روز حاکمیت حق است، یعنی هر چیزی که بهره‌ای از حق دارد، همان اندازه وزین است و هر مقدار که از حق فاصله می‌گیرد وزنش کم می‌شود. سیئات به دلیل اینکه با حق سنخیتی ندارند دارای وزن نیستند.

از امام جعفر صادق (ع) در رابطه با معنای آیه ۴۷ سوره انبیاء سوال شد فرمود: منظور از موازین، انبیاء و اوصیای انبیاء هستند. (بحرانی، ۱۳۸۹، ج ۸، ص ۷۷۳؛ طیب، ۱۳۷۸، ج ۵، ص ۲۷۷)

پیشوایان دین در علم به معارف الهی الگو امت خویش می‌باشند اعمال پیرانشان بر اساس میزان محبت و معرفت نسبت به آنها سنجیده می‌شود بنابر این آنها میزانند، در واقع آنان تجسم حق هستند. همچنین فخر رازی و بسیاری از اهل سنت بر اساس روایات تطبیق میزان را تنها بر پیامبران بیان می‌کنند و معتقدند که پیامبران در قیامت در نزد میزان حاضر هستند. (فخر رازی، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۱۸۰۸؛ ابی داوود سجستانی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۴۲۵)

۲-۶. توزین اعمال بر اساس قضاوت عادلانه

میزان، رعایت عدل در قیامت می‌باشد. استعمال میزان در آخرت با معنای دنیایی آن متفاوت، و یک استعاره یا مجاز است. همان‌طور که ترازو در دنیا به عنوان نماد عدل و قسط بکار می‌رود،

میزان در قرآن بعنوان نمادی که در آخرت اعمال انسان را بر اساس عدل مورد محاسبه قرار می‌دهد، بیان شده است. «وَالْوِزْنُ يُوَمِّئِدُ الْحَقُّ» منظور، توزین اعمال بر اساس حق و عدالت یعنی قضاوت عادلانه است: «إِنَّ الْعَدْلَ مِيزَانُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ الَّذِي وَضَعَهُ فِي الْخَلْقِ، وَ نَصَبَهُ الْحَقِّ، فَلَا تُخَالِفُهُ فِي مِيزَانِهِ، وَ لَا تُعَارِضُهُ فِي سُلْطَانِهِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۹۱) عدل، میزان خداوند است که برای بر پا داشتن عدالت بر خلق بنا شده، کسی نمی‌تواند از آن تخلف کند. وزن در قیامت حق است، یعنی حق وزن دارد و باطل وزن ندارد.

عدل، قرار گرفتن هر چیز در جایگاه حقیقی خود است. حضرت علی (ع) در تفسیر «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ» می‌فرماید: «الْعَدْلُ الْإِنْصَافُ، وَ الْإِحْسَانُ التَّقْضِيلُ» (نهج البلاغه، حکمت ۲۳۱) یکی از مهم‌ترین موارد استعمال عدل در قضاوت و مجازات است. بحرانی می‌گوید: موازین همان ترازوی عدل است که انسان‌ها در قیامت بر اساس آن حسابرسی می‌شوند. (بحرانی، ۱۳۸۹، ج ۶، ص ۳۳۸) «وضع المیزان» نیز تحقق یافتن عدل و پاداش به تناسب اعمال نیک و بد است. (ابن عجبیه، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۳۶۸) منظور اینکه به اندازه خردلی از حسنات کم و یا خردلی بر سیئات افزوده نمی‌شود.

در آیاتی از قرآن میزان به همراه واژه قسط آمده است، مانند: (الرحمن: ۹؛ الحديد: ۲۵؛ الانعام: ۱۸۵) وزن کردن را با داد، اقامه کنید یعنی ترازو به عدل و مساوات باشد. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۳۳۱) در برخی از آیات ترازوی بدون قسط آمده اما آن را به عدل نسبت می‌دهند. مانند «فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزَانَ» (الاعراف: ۱۸۵).

مهم‌ترین اشکالی که بر میزان در معنای عدل وارد شده، کاربرد مجاز آن است. شیخ طوسی در این رابطه می‌گوید: گروهی میزان را عدل و مقابله طاعات و گناهان می‌دانند، هر کدام بیشتر است برای آن حکم داده می‌شود. این تعبیر مجاز است، چرا که اعمال عرضند و وزن نمی‌شوند. (طوسی، بی تا، ج ۱۰، ص ۳۹۹) همچنین فخر رازی در ابتدا میزان را در معنای مجاز می‌آورد، ترازو را عدالت و قضاوت الهی می‌داند نه چیزی که با آن سنجیده می‌شود وی می‌گوید: وقتی گفته می‌شود این کلام هم وزن با آن کلام است یعنی معادل و مساوی با آن است. در حالی که در این جا وزن در معنی حقیقی اش نیست، میزان را در معنای عدل بیان می‌کند و می‌گوید میزان وسیله‌ای است که با آن به مقدار یک شیء شناخت پیدا می‌شود، و ممکن نیست که مقدار ثواب و عقاب به وسیله‌ی میزان معمولی مشخص شود، زیرا اعمال بندگان عرض‌اند و اعراض فانی می‌شود، و وزن معدوم محال است. (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۴، ص ۲۰۲) اما بعد از این نظر عدول



می‌کند. پس سنجش اعمال در قیامت از امور غیبی است که انسان در صورت رفتن حجاب‌ها بر آن واقف می‌گردد، بنابر این سخن از میزان، دشوار و تنها چیزی که می‌توان گفت قطعیت میزان است گرچه در کیفیت آن اختلاف نظرهایی وجود دارد.

۳-۶. میزان؛ انبیاء و اوصیاء

یکی از معانی میزان در تشیع به معنی امام است، در دیدگاه شیعه احکام و شرایع به تنهایی کامل نیستند و آنها در همه مراحل تکامل، نیاز به امام دارند. بدون امام، هدایت کامل نیست و به مقصد رستگاری نمی‌رسد. امام حجت خداوند بر روی زمین و واسطه فیض الهی است که نسبت به نامه اعمال انسان‌ها آگاه و بهترین فرد برای سنجش میزان اعمال انسان‌ها می‌باشد.

بدیهی است که میزان ائمه معصومین (ع) و گام برداشتن در مسیر آنان و تمسک به ولایتشان است. یعنی کسی که در دنیا به آن بزرگواران معرفت پیدا نکند در آخرت هم اهل هدایت نخواهد بود و در واقع کسی که از آنان دور شود از خداوند دور شده است و دور شدن و عدم معرفت نسبت به آنها باعث سبکی میزان اعمال می‌شود. بنابراین ملاک و میزان در قیامت اولیای الهی و عمل آنها است. هر اندازه عمل سایر مردم به عمل آنها نزدیک‌تر باشد، عمل آن شخص سنگین‌تر و هر اندازه دورتر باشد، اعمال شخص سبک‌تر است. بحرانی موازین را «هم الانبیاء و الاوصیاء» معرفی می‌کند. (بحرانی، ۱۳۸۹، ج ۶، ص ۳۴۱؛ کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۴۱۹) اصل در میزان، کتاب خداست. از این رو اعمال پیامبر (ص) و اوصیای الهی با کتاب خدا و اعمال امت‌ها نیز با اعمال پیامبر (ص) و اوصیاء (ع) سنجیده می‌شود.

کسانی بدون حساب وارد بهشت می‌شود که اعمال آنها به اعمال انبیاء و اوصیاء نزدیک باشد، همچنین به میزان پیروی آنان در گفتار و افعال برمی‌گردد. امام علی (ع) می‌فرماید: «إِنَّهُ لَا يُقَاسُ بِنَا آلِ مُحَمَّدٍ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَحَدٌ»؛ (نهج البلاغه، خطبه ۲) کسی از مردم با ما قابل مقایسه نیست، اما این سخن به معنای آن نیست که ما نمی‌توانیم اهل بیت (ع) را الگوی خود قرار دهیم، بلکه ما باید اوامر و نواهی آنها را اطاعت کنیم تا تقرب و سنخیت ایجاد شود. تا حداقل درصدی از تشابه را با آنان داشته باشیم، یعنی معنایش این است که ما نباید آنها را با خود مقایسه کنیم، سپس در مورد آنها به داوری بنشینیم و بگوییم آنها نیز مانند ما هستند، این قیاسی نابجا است. زیرا پیامبران و امامان اگر چه بشری مانند ما هستند، اما آنان در عین بشر بودن مصداق آیه «قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكُ الْمُلْكِ نُورِي الْمُلْكِ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُدِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ

إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (آل عمران: ۲۶) آنها به درجات و مقاماتی از معنویت و کمال دست یافتند که هیچ بشری را توان رسیدن به آن مقام و مرتبه نیست.

پیامبر(ص) سنگینی میزان را به ولایت امیرالمومنین(ع) نسبت می‌دهد: هنگامی که روز قیامت می‌شود و میزان در نزدیکی جهنم نصب می‌گردد، جز به کسی که ولایت امیرالمومنین(ع) را داشته باشد پاداش نمی‌دهند. (بحرانی، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۹۶). در روایات بسیاری بر حب اهل بیت(ع) در قیامت تاکید می‌شود، و تبعیت از آنان در دنیا عامل سنگینی وزن اعمال در قیامت و عامل رستگاری است.

انبیا و اولیای الهی الگوهایی برای پیروان خود هستند پیامبر(ص) می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَىٰ جَعَلَنِي مِيزَانَ قِسْطٍ وَ جَعَلَ عَلَيَّ كَلِمَةً عَدْلٍ» خداوند مرا میزان و علی را کلمه عدل قرار داده است. (ابن بابویه، ۱۴۱۴، ص ۷۴) «قسط» به معنای تقسیم عادلانه است و نقطه مقابل آن تبعیض است، عدالت در مقابل تجاوز به حقوق دیگران است. عدل، مفهومی وسیع‌تر از قسط دارد؛ چرا که «قسط» در مورد تقسیم گفته می‌شود ولی «عدل» هم در مورد تقسیم و هم در موارد دیگر به کار می‌رود.

سنگینی میزان اعمال در آخرت یعنی اتصال به پیامبر(ص) با کیفیت مخصوصی که نزد آنها مقرر است. اما سنگینی میزان زمانی است که اعمال به پیامبر یا جانشین او متصل باشد. میزان اعمال قلبی عبارت از اتصال به امام با بیعت به شکل خاص است و صدور اعمال از جهت آن اتصال، و سنگینی میزان به سبب اتصال آن اعمال است. سبکی میزان یعنی اعمال به علت غفلت از اتصال در حین عمل، به صورت انقطاع مطلق باشد، با تفاوت اتصال در شدت و ضعف اعمال نیز در سنگینی تفاوت پیدا می‌شود. بنابراین اعمال انسان‌ها به وسیله ولایت و شناخت نسبت به ائمه معصومین(ع) مورد سنجش قرار می‌گیرد.

۴-۶. میزان؛ روح انسان

میزان، کنایه از روح انسانی می‌باشد که در اثر ایمان، تقوی و عمل صالح عظمت پیدا می‌کند. حضرت علی(ع) خطاب به امام حسن(ع) می‌فرماید: «اجْعَلْ نَفْسَكَ مِيزَانًا». (نهج البلاغه، نامه ۳۱) نفس انسان به عنوان میزانی بیان شده که با آن اعمال انسان توزین می‌شود. (امین اصفهانی، ۱۳۶۱، ج ۵، ص ۱۷۴)



پیامبر(ص) فرمود: «حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا وَ زِنُوا قَبْلَ أَنْ تُوزَنُوا وَ بَجَّهَرُوا لِلْعَرْضِ الْأَكْبَرِ». (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۹۹) خود را محاسبه کنید قبل از آنکه محاسبه شوید و خود را بسنجید قبل از آنکه سنجیده شوید و برای روز قیامت خود را آماده کنید. از جمله مواردی که درک واقعیت آن بسیار مشکل می‌باشد حسابرسی اعمال توسط خود انسان است، یعنی همه کارها و امور انسان نزد او حاضر شود به گونه‌ای که خود انسان می‌تواند درباره اعمال و نیت خود حکم شایسته‌ای صادر کند. تجسم اعمال از جمله موضوعاتی است که راه‌گشای فهم این موضوع است، در قیامت نامه عمل انسان گشوده می‌شود و هر آن چه انجام داده جلوی او آشکار می‌گردد چنان‌که گویی در همان لحظه این اعمال را انجام داده است، به همین دلیل می‌گوید: (الکهف: ۴۹) ای وای بر ما این چه نامه‌ای است که هیچ کوچک و بزرگی را فرو نگذاشته، جز این که همه را به حساب آورده است.

فخر رازی می‌گوید: اعمال نیک و بد انسان در نفس او آثاری به وجود می‌آورد که همراهش بوده و در آخرت که حجاب‌ها برداشته می‌شود، بر خلاف دنیا قابل مشاهده است. پس اعمالی که مورد سنجش قرار می‌گیرد، همان آثاری می‌باشد که در نفس انسان جای گرفته است. براساس این نظر هر چیزی که انسان با حواس خود درک می‌کند اثری در روحش می‌گذارد و همه این آثار در صحیفه ذات او گرد می‌آید هر کار خوب و بدی که انسان انجام می‌دهد هر اندازه هم کوچک باشد در لوح ضمیرش نوشته می‌شود. به ویژه آن‌ها که به صورت هیئت و صفات در نفس او رسوخ کرده و بصورت ملکه نفسانی او در آمده باشد. همین‌ها موجب خلود انسان در ثواب یا عقاب الهی هستند، بنابراین نامه عمل هر انسان، کتاب روح اوست. (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۰، ص ۳۱۰)

فخر رازی در رابطه با اعمال و افعال ارادی عقیده دارد: خطوراتی که در قلب بنده ایجاد می‌شود بر دو قسم است: الف) مواردی که انسان نفس خود را بر آن بنا نموده است و عزم بر عمل کردن آنها را دارد. که این قسم مورد مواخذه قرار می‌گیرد. ب) خطوراتی که امکان دورکردن آنها از نفس وجود ندارد، اما انسان از آنها کراهت دارد، این موارد مورد محاسبه قرار نمی‌گیرد. (همان، ج ۷، ص ۱۰۳) اموری که تکلیف در مورد آنها صحیح است و با اراده انسان انجام می‌شود، انسان نفس خود را بر آن بنا می‌نهد، اعمال و افعال اختیاری انسان را شکل می‌دهد مورد حسابرسی و توزین قرار می‌گیرد، مانند اعتقادات. اما وسوسه‌ها و خطوراتی که ناگهانی به سراغ انسان می‌آید و او توانایی بر دفع آنان ندارد مورد محاسبه قرار نمی‌گیرد.

۷. مقایسه تطبیقی دیدگاه بحرانی و فخر رازی در رابطه با میزان اعمال

همانطور که اشاره شد میزان در دو معنی تحت اللفظی (ترازو) و معنای تاویلی (عدل، حق) است. به همین دلیل برخی از مفسران مانند فخر رازی میزان را در معنای تحت اللفظی معنا کرده اند. برخی مانند بحرانی با معنای تاویلی به آیات پرداخته‌اند و گروهی معتقدند جمع بین هر دو معنا و حل تضاد صوری این دو امکان دارد یعنی حقیقت میزان همان عدل الهی است، پیامبران و امامان نمونه کامل عدل هستند و قانون عدل، سراسر هستی را در بر گرفته است «بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ». (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۱۰۷) با توجه به مطالب فوق بنظر می‌رسد هر کدام از این اندیشمندان در رابطه با میزان متأثر از مطالعات و اطلاعات پیشین خود هستند.

بحرانی در موضوع میزان روایتی را مطرح می‌کند: «إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَئِمَّةَ مِنْ دُرِّيَّتِهِ هُمْ الْمَوَازِينُ» (بحرانی، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۱۷۹؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۵۱) یعنی امیر مؤمنان و ائمه بعد از او ترازوهای سنجش‌اند. از این کلام شریف اینگونه برداشت می‌شود که میزان معیاری است که قدر و ارزش هر انسانی با آن سنجیده می‌شود، و این معیار جز انبیاء و اوصیاء نیستند. اندازه نیکی و بدی هر انسانی به میزان نزدیکی و دوری از روش و سیرت آنها می‌باشد. میزان هر امت پیامبر آن امت و دینی است که برای آن امت آمده است. بنابراین ترازوها همان ایجاد موازنه بین اعمال، قرار دادن هر پاداشی در جای خود و دادن تمامی حق و حقوق افراد به آنها است. بحرانی می‌گوید: آن‌طور که طرفداران حشویه پنداشته‌اند نیست و در قیامت ترازوهایی به مانند ترازوهای دنیا وجود ندارد، چرا که اعمال عرض هستند و عرض را نمی‌توان وزن کرد، بر اساس مجاز است که به سبکی و سنگینی وصف شده‌اند. منظور از سنگینی، فراوانی و شایستگی کسب می‌باشد و منظور از سبکی، اعمالی است که ارزشش کم و شایستگی ثواب را ندارد. (بحرانی، ۱۳۸۹، ج ۶، ص ۳۴۲)

فخر رازی معتقد است که نفس انسان مانند ترازو به دو طرف کشیده می‌شود، یک کفه آن به طرف بالا یعنی بهشت و یک کفه آن بطرف پایین یعنی دوزخ، در اینجا تعارض بین دو طرف ایجاد می‌شود که خداوند بر اساس اعمال انسان‌ها به کمک آنها می‌آید، یا به تعبیر دیگر میزان همان نورانیت نفس و یا تاریکی نفس در اثر حسنات و سیئات است. او برای سنجش اعمال دو وجه را بیان می‌کند: ۱- اعمال بنده مومن بصورت زیبا و اعمال کافر به صورت زشت تجسم



می‌یابد. ۲- سنجیدن به صحف بر می‌گردد که اعمال به صورت نوشته شده و مکتوب در آن‌ها وجود دارد. (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۴، ص ۲۰۳)

دو تفسیر متفاوت از میزان توسط بحرانی و فخر رازی ارائه شده، بحرانی میزان را در معنای مجازی به کار می‌برد یعنی وزن اعمال در قیامت تطبیق اعمال با حق و بر اساس عدل می‌باشد، نمونه کامل حق این است که توزین اعمال را در ارتباط با نبی آن امت و اوصیاء آنها بدانیم. در صورتی که فخر رازی در ابتدا میزان را عدل و حکم دادن بر اساس عدالت می‌داند و بعدا اعتقاد به میزان محسوس را بیان می‌کند.

میزان بعنوان مقیاس اندازه‌گیری اشاره به معنایی بسیار گسترده دارد. برای تمیز اطاعت از خداوند و سرپیچی در برابر او، در واقع مقیاسی است برای اوامر و نواهی خدا، که در مقایسه این امر و نهی ثقل عمل هر بنده‌ای مشخص می‌شود. اتصال به امام معصوم باعث ثقیل شدن اعمال است.

نتایج تحقیق

۱- با بررسی نظرات اندیشمندان و مفسران اسلامی می‌توان به این نتیجه رسید که همگی موقف میزان در قیامت را به صورت اصلی مسلم و حتمی پذیرفته‌اند. اگر اختلافی وجود دارد در مفهوم میزان است نه در اصل آن.

۲- با توجه به اینکه موضوع معاد و حسابرسی اعمال از موضوعات بسیار دشوار است. بررسی آیات و روایات پیرامون موضوع میزان، به شناخت مصادیق و مفاهیم میزان کمک مینماید.

۳- بین مفسران در رابطه با کیفیت اندازه‌گیری اعمال و حقیقت بر پایی آن اختلاف نظرهایی وجود دارد. بحرانی معتقد است که منظور از میزان انبیاء و اوصیاء هستند. فخر رازی می‌گوید: در قیامت ترازوهایی وجود دارد برای اعمال قلبی میزانی، و برای اعمال جوارحی میزانی دیگر است. منظور از میزان ترازویی است که با آن اعمال خیر و شر بندگان سنجیده می‌شود.

۴- مفسران میزان را در یک تقسیم بندی به حقیقی و مجازی تقسیم کرده‌اند، فخر رازی معتقد به میزان محسوس است، این نظر در بین مفسران شیعه آنچنان مطرح نیست. آنها معتقد به میزان مجازی بر اساس عدل، حق و روح انسانی هستند، بحرانی میزان را در معنای مجاز عدل و

حق می‌داند، وی پیامبر(ص) و ائمه اطهار(ع) را به عنوان موازین و افرادی معرفی می‌کند که اعمال انسان‌ها بر اساس میزان معرفت، محبت و اطاعت نسبت به آنها سنجیده می‌شود.

۵- مخالفان نظریه میزان محسوس می‌گویند، اعمال باطنی در میزان محسوس داخل نمیشود، لکن اقامه عدل در مورد آنها وجود دارد. در واقع محسوس با محسوس وزن می‌شود و معنا میزان خاص خود را دارد.

کتاب‌نامه:

قرآن کریم

- نهج البلاغه، (۱۳۶۵ش)، ترجمه: علینقی فیض الاسلام، تهران: چاپخانه سپهر.
- ابن بابویه، محمدبن علی، (۱۴۱۴ق)، اعتقادات الامامیه، قم: کنکره شیخ مفید.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، (۱۴۰۷ق)، زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت: دارالفکر.
- ابن حجر عسقلانی، شهاب الدین، (بی تا)، فتح الباری شرح صحیح البخاری، بیروت: دارالمعرفه للطباعه و النشر.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمدبن علی، (۱۳۷۹ش)، مناقب آل ابی طالب، قم: نشر علامه.
- ابن عجیبه، احمدبن محمد، (۱۴۱۹ق)، البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید، قاهره: بی نا.
- ابن فارس، احمدبن فارس، (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغه، قم: مکتب الاعلام اسلامی.
- ابن منظور، محمدبن مکرم، (۱۴۰۵ق)، لسان العرب، قم: نشر ادب حوزه.
- ابوداود سجستانی، سلیمان بن اشعث، (۱۴۱۰ق)، سنن ابی داود، بیروت: دارالفکر.
- اسعدی، علیرضا، (۱۳۹۸ش)، «مسئله میزان اعمال در قیامت»، مجله علمی خردنامه صدرا، شماره ۹۸.
- امین اصفهانی، سیده نصرت، (۱۳۶۱ش)، مخزن العرفان، تهران: نهضت زنان مسلمان.
- اندلسی، ابن عطیه، (۱۴۱۳ق)، المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز، لبنان: دارالکتب العلمیه.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان، (۱۳۸۹ش)، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: نهاد کتابخانه های کشور.
- تاج آبادی، مسعود، (۱۳۹۶ش)، معادشناسی، قم: جامعه الزهرا.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۴۱۰ق)، غرر الحکم و درر الکلم، قم: دارالکتاب الاسلامی.
- جرجانی، علی بن محمد، (۱۳۲۵ق)، شرح المواقف، قم: الشریف الرضی.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۲ش)، تفسیر تسنیم، قم: نشر اسراء.



حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، قم: موسسه آل البيت.

حقی بروسوی، اسماعیل، (۱۴۲۱ق)، *روح البیان*، بیروت: دارالفکر.

حلی، حسن بن یوسف، (۱۳۸۲ش)، *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*، قم: موسسه امام صادق (ع).
 رازی، ابوالفتح حسین بن علی، (۱۴۰۸ق)، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد: آستان قدس رضوی.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، *مفردات فی غریب القرآن*، بیروت: دارالقلم.

زمخشری، محمود، (۱۴۰۷ق)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، بیروت: الکتاب العربی.

سبحانی، جعفر، (۱۳۸۳ش)، *منشور جاوید*، قم: موسسه امام صادق (ع).

سبحانی، جعفر، (۱۴۲۱ق)، *مفاهیم القرآن*، قم: موسسه امام صادق (ع).

طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۷۴ش)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: انتشارات ناصر خسرو.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، (۱۴۱۲ق)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دارالمعرفه.

طوسی، محمدحسن، (بی تا)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

طیب، سید عبدالحسین، (۱۳۷۸ش)، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: نشر اسلامی.

غزالی، ابوحامد محمد، (۱۴۰۹ق)، *الاقتصاد فی الاعتقاد*، بیروت: دارالکتب العلمیه.

غلام پور، علیرضا؛ خلف مراد، عبدالرحیم، (۱۳۹۳ش)، «کیفیت توزین اعمال در قیامت در منابع تفسیری

فریقین بر اساس آیه ۴۷ سوره انبیاء»، *فصلنامه علمی مطالعات تفسیری*، سال ۵، شماره ۲۰،

صص ۸۶-۷۳.

فتاحی، محسن، (۱۳۹۳ش)، *حقیقت میزان*، سایت پژوهه پژوهشکده باقرالعلوم (ع).

فتوحی، محمد صدیق، (۱۴۲۰ق)، *فتح البیان فی مقاصد القرآن*، بیروت: دارالکتب العلمیه.

فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۳۷۸ش)، *مفاتیح الغیب*، مترجم علی اصغر حلبی، تهران: اساطیر.

فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق)، *مفاتیح الغیب*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۹۸۶م)، *الاربعین فی اصول الدین*، قاهره: انتشارات مکتبه الکیات الازهریه.
 فیض کاشانی، محمد محسن، (۱۴۱۵ق)، *تفسیر الصافی*، تهران: انتشارات الصدر.
 قرشی، علی اکبر، (۱۳۷۷ش)، *تفسیر احسن الحدیث*، تهران: اسلامی.
 قمی، عباس، (۱۳۹۷ش)، *مفاتیح الجنان*، قم: آیین دانش.
 کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۲۹ق)، *الکافی*، قم: دارالحدیث.
 گنابادی، سلطان محمد، (۱۴۰۸ق)، *بیان السعادة فی مقامات العبادة*، بیروت: موسسه اعلمی.
 لاهیجی، بهالدین محمد، (۱۳۶۳ش)، *تفسیر لاهیجی*، تهران: موسسه مطبوعات علمی.
 مبارکفوری، محمد عبدالرحمن بن عبدالرحیم، (۱۴۱۰ق)، *تحفة الاحوذی*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
 مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 معتزلی، قاضی عبد الجبار بن احمد، (۱۴۲۲ق)، *شرح اصول الخمسه*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 نوری، میرزا حسین بن محمدتقی، (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، بیروت: انتشارات آل بیت.

Bibliography:

The Holy Qur'an.

Nahj al-Balagha, (1365), translated by: Alineqi Faizul Islam, Tehran: Sepehr Printing House.

Ibn Babouyeh, Muhammad ibn Ali, (1414 AH), Beliefs of al-Umamiyyah, Qom: Kankara Sheikh Mufid.

Ibn Juzi, Abd al-Rahman bin Ali, (1407 AH), Zad al-Masir fi ilm al-tafsir, Beirut: Dar al-Fikr.

Ibn Hajar Asqalani, Shahab al-Din, (Bita), Fath al-Bari Sahih al-Bukhari, Beirut: Dar al-Marafa for printing and publishing.

Ibn Shahr Ashub Mazandarani, Mohammad Bin Ali, (1379), Manaqib Al Abi Talib, Qom: Allameh Publishing.

Ibn Aghiba, Ahmad ibn Muhammad, (1419 AH), Al-Bahr al-Madid fi Tafsir al-Qur'an al-Majid, Cairo: Bina.

Ibn Fares, Ahmad bin Faris, (1404 AH), Ma'jam Maqais al-Lagheh, Qom: School of Islamic Studies.

- Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Makram, (1405 AH), Lasan al-Arab, Qom: Adab Hozha publishing.
- Abu Dawood Sajestani, Sulaiman bin Ash'ath, (1410 AH), Sunan Abi Dawood, Beirut: Dar al-Fikr.
- Asaadi, Alireza, (2018), "The problem of the amount of actions in the Day of Judgment", Sadra Scientific Journal, No. 98.
- Amin Esfahani, Sayedah Nusrat, (1361), Makhzan Al-Irfan, Tehran: Muslim Women's Movement.
- Andolosi, Ibn Attiyah, (1413 AH), al-Muhrez al-Awjiz fi Tafsir al-Kitab al-Aziz, Lebanon: Dar al-Kitab al-Alamiya.
- Bahrani, Hashem bin Suleiman, (1389), Al-Barhan fi Tafsir al-Qur'an, Tehran: Iran Libraries.
- Tajabadi, Masoud, (1396), Maadtnisi, Qom: Al-Zahra University.
- Tamimi Amodi, Abd al-Wahed bin Muhammad, (1410 AH), Gharr al-Hakm and Derr al-Kalam, Qom: Dar al-Kitab al-Islami.
- Jurjani, Ali bin Muhammad, (1325 AH), Sharh al-Mashiqi, Qom: Al-Sharif al-Razi.
- Javadi Amoli, Abdullah, (2012), Tafsir Tasnim, Qom: Esra Publishing House.
- Hor Amoli, Muhammad bin Hasan, (1409 AH), Al-Wasal al-Shia to Tahsil al-Sharia issues, Qom: Al-Al-Bayt Institute.
- Haghi Brosavi, Ismail, (1421 AH), Ruh al-Bayan, Beirut: Dar al-Fikr.
- Heli, Hasan bin Yusuf, (1382), Kashf al-Murad fi Sharh Tajrid al-I'taqad, Qom: Institute of Imam Sadiq (AS).
- Razi, Abu'l-Fatuh Hossein bin Ali, (1408 AH), Ruz al-Jinnan and Ruh al-Jinan in Tafsir al-Qur'an, Mashhad: Astan Quds Razavi.
- Ragheb Esfahani, Hossein bin Muhammad, (1412 AH), Fardat Fi Gharib al-Qur'an, Beirut: Dar al-Qalam.
- Zamakhshari, Mahmoud, (1407 AH), Al-Kashf on the facts of Ghawamaz al-Tanzir and the eyes of al-Aghawil in the interpretations of interpretations, Beirut: Al-Kitab al-Arabi.
- Sobhani, Jafar, (1383), Javid Charter, Qom: Imam Sadiq (AS) Institute.
- Sobhani, Jafar, (1421 AH), Concepts of the Qur'an, Qom: Imam Sadiq Institute (A.S.).
- Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hossein, (1374), Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, Qom: Publications Office of the Qom Theological Seminary Community.
- Tabarsi, Fazl bin Hassan, (1372), Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, Tehran: Nasser Khosrow Publications.

- Tabari, Abu Ja'far Muhammad bin Jarir, (1412 AH), Jame al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, Beirut: Dar al-Marafa.
- Tousi, Mohammad Hassan, (B.T.A.), al-Tabyan fi Tafsir al-Qur'an, Beirut: Dar Ihya Al-Tarath al-Arabi.
- Tayyeb, Seyyed Abdul Hossein, (1378), Atyib al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, Tehran: Islamic Publishing House.
- Ghazali, Abu Hamid Muhammad, (1409 A.H.), Al-Ekhtidis fi al-Itqad, Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya.
- Gholampour, Alireza; Khalaf-Morad, Abdur Rahim, (2013), "The quality of weighing actions on the Day of Resurrection in the interpretation sources of the Fariqin based on verse 47 of Surah Anbiyyah", Scientific Quarterly of Tafsir Studies, Year 5, Number 20, pp. 86-73.
- Fatahi, Mohsen, (2013), the truth of Mizan, the research site of Bagheral Uloom Research Institute (AS).
- Fatuji, Muhammad Sediq, (1420 AH), Fath al-Bayan fi al-Maqasid al-Qur'an, Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya.
- Fakhr Razi, Muhammad bin Omar, (1378), Mufatih al-Ghaib, translated by Ali Asghar Halabi, Tehran: Asatir.
- Fakhr Razi, Muhammad bin Omar, (1420 AH), Mufatih al-Ghaib, Beirut: Darahiya al-Tarath al-Arabi.
- Fakhr Razi, Muhammad bin Omar, (1986), Al-Arbain fi Usul al-Din, Cairo: Al-Azhariya School Publications.
- Feiz Kashani, Mohammad Mohsen, (1415 AH), Tafsir Al-Safi, Tehran: Sadr Publications.
- Qorashi, Ali Akbar, (1377), Tafsir Ahsan al-Hadith, Tehran: Islamic.
- Qomi, Abbas, (2017), Mofatih al-Janaan, Qom: Ain Danesh.
- Kpleini, Muhammad ibn Yaqub, (1429 AH), Al-Kafi, Qom: Dar al-Hadith.
- Gonabadi, Sultan Muhammad, (1408 AH), Bayan al-Saada fi Maqamat al-Ibadah, Beirut: Al-Alami Institute.
- Lahiji, Bahaddin Mohammad, (1363), Tafsir Lahiji, Tehran: Scientific Press Institute.
- Mubarakfour, Muhammad Abd al-Rahman bin Abd al-Rahim, (1410 A.H.), Tohfa al-Ahudzi, Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya.
- Majlesi, Muhammad Baqir bin Muhammad Taqi, (1403 AH), Bihar al-Anwar al-Jamaa Lederer Akhbar al-Imath al-Athar, Beirut: Dar Ihya al-Trath al-Arabi.
- Mu'tazili, Qazi Abd al-Jabbar bin Ahmad, (1422 AH), the description of Usul al-Khumsa, Beirut: Dar Ihya al-Trath al-Arabi.

Nouri, Mirzahosein bin Mohammad Taqi, (1408 AH), Mustardak al-Wasail and Mustanbat al-Masal, Beirut: Al-Bayt Publications.

